

## جایگاه منافع محرومین و ضرورت تأکید بر آن در طراحی و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (در چهارچوب دیدگاه‌های مقام معظم رهبری) عمار خسروجردی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از واقعیت‌های تلخ در عرصه سیاست‌گذاری و طراحی و برنامه‌ریزی‌ها در مدیریت کلان کشور عدم توجه دقیق و جامع به چهارچوب‌ها و قیودی است که مقام معظم رهبری برای مدیریت کلان کشور ترسیم می‌کنند. آنچه که در این نوشتار، به دنبال آن هستیم این است که با استفاده از متن بیانات مقام معظم رهبری و تحلیل‌هایی که خود ایشان ارائه کرده‌اند، چرایی تأکیدات ایشان بر منافع محرومین و طبقات کم‌درآمد جامعه، تبیین گردد. باید با رویکردی نظام‌مند و دارای انسجام به مجموعه مباحث مقام معظم رهبری توجه نمود و تا جایی که ممکن است از تفسیر به رأی در تبیین مباحث ایشان خودداری نمود و سعی کرد که چرایی‌ها و علت‌های تأکیدات رهبری را در دل مباحث خود ایشان جست‌وجو نمود. این بیان به نوعی روش‌شناسی نوشتار فوق را نیز نشان می‌دهد. این روش روشی نزدیک به روش تحلیل محتوا است. حتی تا حدی از روش تفسیر متن به متن نیز استفاده شده است. سپس با استفاده از آیات و روایات نشان داده شده است که این رویکرد ایشان در تکیه بر منافع محرومین، مبتنی بر آیات قرآن کریم و همچنین نوع نگاه و بینش امام علی علیه‌السلام در سیاست‌گذاری‌های حکومتی است و این انطباق بیانگر حقانیت نگاه ایشان در تکیه بر منافع محرومین است. جمع‌بندی نهایی این نوشتار این است که تکیه بر منافع محرومین و مستضعفین لازمه پایداری یک جامعه دینی است و اصل حفظ پایداری جامعه دینی، اصلی دارای اولویت در هر نوع از الگوهای سیاست‌گذاری مانند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. علاوه بر این تکیه بر منافع محرومین یکی از منشأهای مشروعیت حکومت دینی است.

### واژه‌های کلیدی: محرومین، عدالت، پیشرفت، پایداری

#### ۱- مقدمه

ظهور انقلاب اسلامی ایران را باید نقطه عطفی در تاریخ جهان دانست. این انقلاب در دورانی به پیروزی رسید که دوتفکر حاکم بر جهان آن روز، لیبرال‌سرمایه‌داری و مارکسیسم، دین را بر اساس مبانی خود از عرصه حیات اجتماعی بشر و به خصوص از عرصه حاکمیت کنار گذاشته بودند. در چنین شرایطی در بحبوحه نزاع میان این دوتفکر، انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک مرجع برجسته شیعی، امام خمینی (ره)، به پیروزی رسید.

این انقلاب علی‌رغم چالش‌های بسیاری که از سوی هر دو جریان فکری سیاسی غالب در آن دوران، برایش به وجود آمد، توانست از این چالش‌ها چون شهادت بسیاری از نظریه‌پردازان خود و جنگ تحمیلی و فتنه‌افکنی‌های داخلی و خارجی، با رهبری الهی امام خمینی (ره) و پس از ایشان، مقام معظم رهبری، عبور کرده و به فضل الهی به ثبات در عرصه سیاسی دست یابد.

در حال حاضر، انقلاب اسلامی در یکی از تاثیرگذارترین دوره‌های خود قرار دارد. مارکسیسم همان گونه که امام خمینی (ره) پیش‌بینی فرمودند، به موزه‌های تاریخ پیوست. لیبرال - سرمایه‌داری نیز امروز با بحران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظری بسیاری مواجه است. ادوار مختلف رکود و رونق اقتصادی و به خصوص رکود اخیر، یکی از اقسام این بحران‌هاست. امروز جهان در عرصه‌های مختلف، به خصوص در عرصه نظریات توسعه و به ویژه در عرصه توسعه اقتصادی، نیازمند نظریات و دکترین‌های جدید است و انقلاب اسلامی ایران، توانایی ارائه نظریات جدید برای توسعه را داراست. بیانات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در این زمینه بسیار راهگشاست.

حضرت امام (ره) در این زمینه می‌فرمایند:

«اگر قوانین اسلام در همین مملکت کوچک ما جریان پیدا کند، روزی بیاید که پیشقدم در تمدن جهان باشد... اول باید باورتان بیاید که ما هم انسان هستیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم و این قدرت در همه‌ی افراد بشر به قوه هست... یک ملتی وقتی یک مطلب را باور کرد که می‌تواند انجام بدهد، انجام خواهد داد... اساس این باور است که آنها از ما گرفته بودند، آنها ما را از همه چیز تهی کرده بودند، به طوری که افکار ما و باورهای ما همه وابستگی داشت. اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت وابستگی پیدا می‌کند... عمده این است که افکار شما از وابستگی به قدرت‌های بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می‌توانیم صنعت‌مند و صنعت‌کار باشیم، خواهیم بود...» (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۴).

همچنین مقام معظم رهبری هم در این زمینه می‌فرمایند:

«اساس کار در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تحقق آرمان‌های اسلامی است... هیچ فشار سیاسی و خارجی و نیز هیچ ضرورت اجتماعی، نباید موجب صرف‌نظر کردن از آرمان‌های اسلامی شود... سازمان برنامه و بودجه در گذشته اساساً با تفکر آمریکایی و با هدف استفاده از الگوهای غربی به وجود آمد، اما ایران اسلامی، الگوی متناسب با واقعیات خود دارد و بر همین اساس این سازمان باید در برنامه‌ریزی‌های خود با روحیه‌ی کپی‌کردن نظریات غرب مبارزه کند، چون آنچه را که در غرب، در زمینه توسعه بیان می‌کند، از فرهنگ و اهداف استعماری جدا نیست.» (خاکبان، ۱۳۷۵، ص ۵)

مقام معظم رهبری به آسیب‌شناسی نگاه‌ها در تدوین الگوی توسعه اقتصادی کشور در گذشته پرداخته‌اند و در این راستا هم، به نوعی به تدوین‌کنندگان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هم تذکر لازم را داده‌اند و بر ضرورت نظریه‌سازی در زمینه مباحث مربوطه دهه عدالت و پیشرفت تأکید دارند.

ایشان می‌فرمایند: «ماهمینی که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی-ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. خوب، این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست. مسیر منسوخ و برافاده‌ای اردوگاه شرق قدیم نیست. بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیشروی ماست، می‌دانیم که این بحران‌ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی-اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم، با سرعت مناسب.

راه‌حلی که بر اساس این مقدمات وجود دارد. این راه‌حل را شما باید پیدا کنید. شما باید به نتیجه برسید، به این استنتاج برسید، اما آنچه که من می‌توانم به عنوان راهنمایی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و

مجاهدت جوانانه و پیگیری است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاه است، باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکرنظریه‌سازی باشید. الگوگرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید...» (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان فارس، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷).

این بیانات از حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، تکیه بر ارزش‌های اصیل اسلامی و خودباوری و استقلال فکری را در عرصه مدل‌سازی در برنامه‌ریزی و اداره کشور، به خوبی نشان می‌دهند. بی‌شک این نگاه شامل تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز می‌گردد.

در این مقاله سعی شده است که با نگاهی فارغ از الگوهای وارداتی و از دیدگاه مقام معظم رهبری، یکی از اولویتها و بایسته‌های سیاست‌گذاری اقتصادی و غیر اقتصادی مد نظر ایشان که تأکید بر منافع محرومین است، تبیین گردد.

آنچه را که باید مد نظر قرار داد این است که فرمایشات مقام معظم رهبری دارای یک نظم و انسجام هستند. یکی از چالش‌هایی که در تبیین بیانات مقام معظم رهبری و به صورت کلی در تبیین بیانات و اندیشه‌ها وجود دارد، عدم توجه به جامعیت اندیشه‌ها و بیانات است. بر این اساس باید سعی نمود در فرآیند تبیین اندیشه‌ها پیوستگی و جامعیت آنها را حفظ کرد. این امر به این معناست که باید چراها و علت‌ها و اولویت‌ها و چگونگی‌ها و روابط میان مباحث را در خود اندیشه مد نظر جست و جو نمود. این امر در مورد اندیشه‌های رهبران جامعه دینی باید بیش از پیش مد نظر قرار بگیرد، زیرا بخش زیادی از بیانات و اندیشه‌های این رهبران در جامعه باید به عنوان مبانی سیاست‌گذاری‌ها مد نظر قرار بگیرد و عدم توجه به جامعیت این بیانات و اندیشه‌ها، بستر ساز نقص در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها خواهد بود. علاوه بر این تفسیر به رأی این اندیشه‌ها، بستر ساز انحراف در فهم این بیانات و حتی ممکن است که منجر به انحراف جامعه گردد.

در این نوشتار نیز سعی شده است که با توجه به تأکیدات بسیار جدی مقام معظم رهبری بر بحث منافع محرومین، چرایی‌های این تأکید از دل مباحث ایشان که این چرایی‌ها منطبق بر آیات و روایات است جست‌وجو گردد و از دل این چرایی‌ها، منطق تأکید ایشان مشخص گردد. با فهم این منطق از دل بیانات ایشان نیز، اولویت این موضوع در طراحی‌ها و الگوسازی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بیش از پیش مشخص خواهد شد.

در ادامه نوشتار مجموعه‌ای از بیانات رهبری در مورد دهه عدالت و پیشرفت و همچنین بایسته‌های تولید ثروت به عنوان مباحثی مبنایی و جامع که رهبری در جهت ترسیم مسیر آینده انقلاب به عنوان مباحثی جامع در آنها، بسیاری از دیدگاه‌های خود را مطرح فرموده‌اند، بیان و تبیین و تحلیل خواهد شد و نشان داده خواهد شد که تکیه بر منافع محرومین در سیاست‌گذاری‌ها و به خصوص برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، عنصری مبنایی است که می‌تواند انسجام بیانات و نگاه ایشان را به خوبی نشان بدهد. پس از آن نیز، تبیین دقیق چرایی نگاه ایشان در تکیه بر منافع محرومین در چهارچوب آیات و روایات و همچنین بیانات خود ایشان حقانیت این نگاه را به خوبی نشان خواهد داد.

## ۲- دهه چهارم انقلاب در نگاه رهبری

از حدود اوایل سال ۱۳۸۵، مقام معظم رهبری، سلسله مباحثی را با بیاناتشان آغاز کردند و پی‌گرفتند، که به عنوان مبانی نظری و پیش‌نیازهای ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی به عنوان دهه عدالت و پیشرفت، باید

مد نظر قرار گیرد. مقام معظم رهبری در بیان‌های مختلف خود که در مورد دهه عدالت و پیشرفت بیان نموده‌اند، به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر منافع محرومین تأکید نموده‌اند. در ادامه به بخشی از این بیانات و دلالت‌های این بیانات در اهمیت موضوع منافع محرومین اشاره می‌گردد.

## ۲-۱- حرف اول: دهه چهارم، دهه پیشرفت و عدالت

مقام معظم رهبری به تبیین دیدگاه خود در مورد دهه عدالت و پیشرفت پرداخته و می‌فرمایند: «ما وارد دهه‌ی چهارم عمرنظام جمهوری اسلامی داریم می‌شویم. .... ما گفتیم که در این دهه، آنچه که به عنوان یک هدف و شعار، برای اینکه دنبال کنیم که مرحله‌ای را بگذرانیم، باید مورد توجه قرار بگیرد، «پیشرفت و عدالت» است. این را شعار قرار بدهیم، پیشرفت و عدالت. پیشرفت را عرض کردم، مقصود، پیشرفت همه جانبه است، یعنی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی. پیشرفت مادی را هم، نفی نمی‌کنیم. یعنی مطلقاً مسئله معیشت مردم، مسئله اشتغال مردم، مسئله پیشرفت‌های علمی و فناوری را به صورت مطلق دست‌کم نمی‌گیریم. اینها کاملاً مهم است و باید دنبال شود، تا در این زمینه‌ها فقر نباشد. بیکاری نباشد، گرانی و تورم قیمت‌ها نباشد، در این تردیدی نیست. اما در کنارش، به این اکتفا هم نمی‌کنیم، بلکه باید فکروشن، اعتقاد عمیق، انگیزه‌ی روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی در کنار اینها گسترش پیدا کند.... برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد....» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان دانشجوی، ۱۳۸۷/۷/۷).

از دل این بیانات مقام معظم رهبری، نکات متعددی را می‌توان استنباط نمود، اما متناسب با موضوع این نوشتار می‌توان نکات زیر را استنباط نمود.

الف: مقام معظم رهبری در این بیانات خود، انقلاب اسلامی را استمرار حرکت انبیاء و اولیاء، معرفی می‌کنند. بنابراین، این انقلاب، باید مبتنی بر شاخصه‌های جریان انبیاء و اولیاء، به مسیر خود ادامه بدهد. یکی از شاخصه‌های بسیار جدی حرکت انبیاء و رهبران الهی این بوده است که بخش زیادی از پیروان رهبران الهی، محرومین و مستضعفین و عموم مردم بوده‌اند و بخش زیادی از دشمنان ایشان هم مستکبران و اغنیاء مترف جامعه بوده‌اند. بنابراین هر الگویی که بخواهد در جهت منافع اصیل انقلاب اسلامی به عنوان استمرار حرکت انبیاء حرکت نماید، باید منافع محرومین و مستضعفین را تأمین نماید.

ب: علاوه بر این باید به این امر توجه نمود که دو مشکل اساسی بیکاری و تورم، مشکلاتی هستند که بیش از پیش طبقات محروم جامعه را آزار می‌دهند. بیانات رهبری با صراحت بر این امر تأکید دارند.

«متأسفانه بخش عظیم بار مشکلات اقتصادی هم بر دوش طبقات پایین جامعه، مستضعفین و محرومین است. مشکلات اقتصادی، بر روی طبقات ضعیف - کارمندان دولت، کارگران، اجزای نیروهای مسلح و طلاب علوم دینیّه - فشار می‌آورد! از همه هم بدتر، طلاب عادی حوزه‌های علمیه‌اند که مردم از وضع آنها خبر ندارند! فشار اقتصادی بر بعضی از کسبه ضعیف هم هست. خوب؛ این مشکلاتی که این طور بر روی طبقات ضعیف فشار می‌آورد، از کجاست؟» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۸/۱/۱)

در بیان دیگری ایشان می‌فرمایند:

«اما خاصیت دوران بازسازی این است که پول در جامعه زیاد است. زرنگترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خدا ترها، کسانی که دلشان به خون امثال شهدای هفتم تیر نمی‌تپد، در چنین شرایطی

سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که بارها بر دوش آنهاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه مستضعفین، یعنی پابرنه‌ها، یعنی کسانی که بار تورم بر روی دوش آنهاست و گرانی‌ها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه کارمند، طبقه کارگر، کسبه ضعیف، قضاات پاکدامن، قاضی‌ای که در سنین نزدیک به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارد، به خانه ببرد و فصل تابستان در یک اتاق گرم بنشیند، ساعتها بررسی کند. برای این که درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی اینهاست؛ اینها عقب می‌مانند. این خلاف عدالت است. ما برای این نیامده‌ایم.» (دیدار با مسئولان قضائی، ۱۳۷۷/۴/۷)

ایشان با صراحت در این بیانات خود، به این امر اشاره دارند که بار اصلی مشکلات اقتصادی که تورم و اشتغال هم جزئی از این معضلات هستند بردوش طبقات محروم جامعه است.

حل این دو موضوع نیز به عنوان گزاره‌های اصلی در بیان رهبری و جزئی از حرکت جامعه در مسیر پیشرفت ترسیم و بیان شده‌اند. فراموش نباید کرد که تورم بیش از همه اقشار جامعه، موجب کاهش قدرت خرید گروه‌هایی از جامعه می‌شود که درآمد کمتری دارند. علاوه بر این کاهش اشتغال و بیکاری هم بیش از همه طبقات محروم جامعه مانند کارگران را آزار می‌دهد. زیرا این طبقات به صورت معمول، نه سرمایه‌ای در اختیار دارند که بتوانند کسب و کاری را فراهم نمایند و نه اینکه حمایت مالی را برای تأمین معاش خود در اختیار دارند.

تأکید رهبری بر حل مشکل اشتغال و تورم در دهه عدالت و پیشرفت به خوبی می‌تواند بخشی از دغدغه مقام معظم رهبری در مورد محرومین و مستضعفین را نشان بدهد و علاوه بر این به خوبی بیان می‌دارد که این مشکلات حل نشده‌اند و نیاز به یک برنامه‌ریزی همه‌چانه برای حل این مشکلات وجود دارد.

## ۲-۲- پیشرفت باید در سایه عدالت باشد

یکی از مباحثی که می‌تواند اهمیت تکیه بر منافع محرومین و مستضعفین را به خوبی نشان بدهد، تأکید رهبری بر موضوع عدالت در دهه عدالت و پیشرفت است.

ایشان در زمینه لزوم همراهی عدالت و پیشرفت می‌فرمایند:

«..... نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر، این رانمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت راهم هرگز مطالبه نمی‌کنیم، پیشرفت، همراه با عدالت، باید فواصل طبقاتی کم بشود. باید آن کسانی که برای تحرک استعداد دارند، فرصت‌های برابر دریافت کنند، اگر کسی تنبلی کرد، تنبلی‌اش به گردن خودش، نباید این جور باشد که در برخی از مناطق کشور، مجال برای تلاش علمی یا تلاش اقتصادی نباشد، اما بعضی‌ها از منابع و از امکانات کشور به طور بی‌نهایت بتوانند استفاده کنند. .... کشور باید پیشرفت کند، پیشرفت در همه بخش‌ها: .... اما همه این پیشرفت‌ها باید در سایه عدالت و در کنار تأمین عدالت باشد.» (بیانات در صحن جامع رضوی، ۱ فروردین ۱۳۸۷).

ایشان در بیان دیگری به یکی از آثار الگوی عدالت محور اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«همه‌ی ما پیشرفت‌های این کشور را در زمینه‌ی علم، فناوری، تحقیقات و توسعه‌ی اقتصادی می‌دانیم و می‌بینیم. این پیشرفت‌ها برای این ملت طبیعی است. اگر این ملت پیشرفت نکند، غیر طبیعی است. آنچه باید روی آن تکیه و برای آن تلاش کرد، این است که این حرکت‌ها و این پیشرفت‌ها در سایه‌ی عدالت اجتماعی

انجام بگیرد تا جوانان و همه‌ی مردم بخش‌های گوناگون ایران بتوانند از امکانات این کشور استفاده کنند (مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸).

البته مقام معظم رهبری با صراحت عدالت اجتماعی را که در حقیقت بروز و ظهور تام و تمام عدالت در عرصه اداره جامعه است، را تعریف کرده‌اند.

«عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله‌ی ژرف میان طبقات و برخوردارهای نابحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در زندگی مردم جمع شوند. همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد، و همه کس بداند که با کار و تلاش خود نخواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.» (جاویدی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

در این تعریف رهبری، تکیه بر منافع محرومین، اولویتی بسیار جدی راداراست.

با توجه به مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در زمینه عدالت همراه پیشرفت، نکات زیر قابل استنتاج است:

الف: با توجه به این بیانات مقام معظم رهبری می‌توان به این جمع‌بندی رسید که ما باید در مسیر پیشرفت کشور به دنبال پیشرفت در سایه عدالت باشیم و این امر به این معناست که عدالت باید مقدمه و نتیجه پیشرفت باشد. یعنی باید عدالت در توزیع منابع تولید و در روابط اقتصادی برقرار باشد و آنچه که به دست می‌آید نیز، باید عادلانه توزیع گردد. که این امر منجر به الگوی عدالت و پیشرفت توأمان خواهد شد. خدای تبارک و تعالی در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید، یکی از فلسفه‌های دعوت انبیاء را، اقامه قسط معرفی می‌کند.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید/۲۵)

با توجه به فرمایشات رهبری که انقلاب اسلامی را انقلابی در مسیر انبیاء، معرفی می‌کنند، تکیه بر قسط و عدالت هم، بیانگر تأکید رهبری بر حرکت انقلاب و جامعه ما در مسیر انبیاء و اولیاء است.

ب: مقام معظم رهبری در این بیانات خود به نوعی به نظریه پردازی در باب مسأله عدالت هم می‌پردازند و بخشی از زوایای عدالت را از دیدگاه خود بیان می‌دارند.

تکیه بر کاهش شکاف طبقاتی و رفع فقر و همچنین تکیه بر توسعه متوازن منطقه‌ای برای ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد و تحرک اقتصادی، برخی از زوایای عدالت از نگاه ایشان را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این، این موضوعات به نوعی در دل خود به موضوع محرومیت‌زدایی تأکید دارند. یکی از لوازم اصلی ایجاد توازن منطقه‌ای و ایجاد فرصت‌های برابر و همچنین کاهش شکاف طبقاتی، محرومیت‌زدایی از مناطق محروم و ایجاد بستر سرمایه‌گذاری در این مناطق است و همچنین ایجاد شرایطی در جهت بالابردن درآمد طبقات محروم است.

ج: تکیه ایشان بر ایجاد فرصت‌های برابر در جهت ایجاد زمینه کار و فعالیت اقتصادی، به خوبی نشان می‌دهد که در نگاه ایشان، ایجاد رفاه و رفع فقر و حل مشکلات محرومان و عموم مردم، باید در قالب الگویی تولیدمحور و مبتنی بر کار و تلاش صورت پذیرد. در حقیقت در نگاه رهبری، هدف ایجاد یک اقتصاد منفعل که

یک نگاه صدقه‌ای دارد نیست. بلکه هدف این است که با گسترش تولید و حفظ کرامت مردم، منافع ایشان و رفاه عمومی تقویت شود. البته یکی از لوازم جدی این الگو، توانمندسازی طبقات محروم جامعه و کسانی است که بنا به هر دلیلی، توانمندی لازم را برای کار و تلاش اقتصادی دارا نیستند. این امر هم چیزی جز توجه به منافع طبقات محروم جامعه نیست.

در حقیقت در نگاه نظری مقام معظم رهبری به موضوع عدالت، رفع فقر و محرومیت و تکیه بر منافع محرومین، نقشی اساسی و بسیار کلیدی را دارا می‌باشد.

### ۳- بایسته‌های تولید ثروت از نگاه مقام معظم رهبری

یکی از مباحثی که می‌تواند تأکیدات مقام معظم رهبری بر بحث منافع محرومین را به خوبی نشان بدهد، صحبت‌های ایشان در زمینه بایسته‌های تولید ثروت در جامعه اسلامی است. مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان اقتصادی پیرامون اصل ۴۴ قانون اساسی، نکات جالبی را در ارتباط با فرهنگ تولید ثروت در اسلام مطرح می‌کنند. ایشان ضمن تأکید بر این امر که ثرتمند شدن از راه قانونی و مشروع هیچ اشکالی ندارد، می‌فرمایند:

«.....دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه‌ی تولید و نحوه‌ی استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است، چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثرتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونه تولید مورد توجه قرار بگیرد، از راه‌های غیرقانونی، با استفاده‌ی از تقلبات و تخلفات نباشد، مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد، بتواند مثل خونی در رگ‌های جامعه جریان پیدا کند، صرف در فساد نباشد. این آیه‌ی شریفه را ملاحظه کنید، سوره‌ی قصص، آیات مربوط به قارون، قارون یک نمونه‌ی کامل و یک ثرتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل می‌کند، «قال له قومه»، این حرف‌ها از آدم‌های عامی و معمولی نیست، بنابراین حرف‌های معتبری است، علاوه بر اینکه خود قرآن این حرف‌ها را تقریر می‌کند، یعنی بیان و اثبات می‌کند که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»، آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله‌ی به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنیا علی الآخرة»، از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن. توصیه‌ی دوم: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»، سهم خودت را هم فراموش نکن. خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری، آن را هم ما نمی‌گوییم که استفاده نکن، خودت بهره‌مند نشو از این ثروت، نه، بهره‌مند هم بشو، مانعی ندارد.

سوم: «و أحسن کما أحسن الله إلیک»، خدا به تو این ثروت را داده، تو هم وسیله‌ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده..... شمدار کتاب‌ها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبام زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لاوقف إلیفیملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنی نبود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم‌آبی، امیرالمؤمنین چاه می‌زد، آب بیرو نمی‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چی ز خوبی است. اگر چنانچه در این

تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.....» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

در این عبارات هم، رهبر معظم انقلاب با تکیه بر بحث کارون، چهارچوب‌های قرآنی در آیات سوره مبارکه قصص را، به عنوان چهارچوب‌ها و قیود تولید ثروت در جامعه اسلامی، مطرح می‌کنند. یکی از این بایدها تکیه بر منافع محرومین است.

اگر بیانات دیگری از مقام معظم رهبری را در کنار بیان فوق قرار دهیم، می‌توانیم به نتایج جامعی در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی متناسب با منافع محرومین دست یابیم.

### ۳-۱- تولید اساس اقتصاد کشور

ایشان بخش تولید را اساس و قائمه اقتصاد در کشور می‌دانند.

«تولید، اساس اقتصاد است؛ قائمه اقتصاد در کشور است.....» (بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش

های اقتصادی، ۱۳۹۰/۵/۲۶)

ایشان در بیانات خود در نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ نیز بر اهمیت تولید تأکید کرده و می‌فرمایند:

«من امسال تقسیم می‌کنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی

برمی‌گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که شایسته‌ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاشهای دشمن ناکام خواهد ماند..... اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله‌ی تورم حل خواهد شد، مسئله‌ی اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده‌ی این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه‌ی دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد.»

### ۳-۲- مدیریت در جهت استفاده همه مردم از فواید تولید ثروت

«سرمایه‌گذاری ثروتمندان در بخش‌های تولیدی و تولید ثروت در جامعه یک عبادت و ثواب است که این

فرهنگ باید بیش از پیش در جامعه عمومیت یابد، ضمن آنکه مدیریت کشور نیز باید به گونه‌ای باشد که همه طبقات و قشرهای مختلف از نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌مند شوند.» (بیانات در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱)

اگر با نگاهی ذو ابعاد و جامع، بیانات رهبری مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد، مباحث زیر قابل استنباط

است.

۱- در نگاه مقام معظم رهبری، تولید ثروت از راه حلال و در مسیر قانونی و مشروع و در خدمت منافع

تمام جامعه به خصوص نیازمندان و البته با حفظ سهم ایجادکننده ثروت، امری ممدوح و عبادت است.

۲- مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید می‌کنند که ثروت نباید موجب فساد در جامعه شود. تولید

ثروت در جامعه باید به گونه‌ای باشد که ثروت و فرآیند تولید ثروت، موجب فساد در جامعه نگردند. اصل مبارزه با فساد بر اصل تولید ثروت مقدم است. مقام معظم رهبری در بیانی دیگر ضمن تبیین آثار فساد اقتصادی می‌فرمایند:

«امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است، این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم، با چهره حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی این که خزانه این کشور که باید صرف مردم بشود. صرف ساختن پل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان‌دادن به زندگی مردم شود، به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود.

ضرر دوم این است، کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند، کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند، وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود، این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع بکنند.....» (در دیدار با اقشار مختلف مردم قم: ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).

در حقیقت بر اساس بیان رهبری، فساد اقتصادی به عنوان مانعی در برابر تولید عمل می‌نماید.

۳- ایشان بخش تولید را اساس و قائمه اقتصاد در کشور می‌دانند و بر گسترش حمایت از سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش تولید تأکید دارند. با توجه به این نگاه ایشان باید شرایط اقتصادی را به گونه‌ای طراحی و مدیریت نمود که فضای تولید در اقتصاد کشور رونق بگیرد و تولید بهترین و اصلی‌ترین ممر تولید ثروت در جامعه شود. باید با موانع تولید مقابله نمود و همه بخش‌های اقتصاد در خدمت تولید باشند. آنچه را که باید مد نظر قرار داد این است که گسترش نگاه تولید محور در جامعه اسلامی، می‌تواند بسترساز رشد و گسترش اشتغال و حل معضلاتی مانند بیکاری و تورم در جامعه گردد. فراموش نباید کرد که بیکاری و تورم معضلاتی هستند که بیش از پیش طبقات محروم جامعه را رنج می‌دهند. در حقیقت در رویکرد مقام معظم رهبری به موضوع تولید ثروت، با تبدیل تولید به بخش اصلی اقتصاد و حمایت از تولید داخلی، در نهایت مشکل بیکاری و تورم به عنوان دو معضل اساسی طبقات محروم جامعه برطرف می‌گردد. البته در بحث توانمندسازی طبقات محروم جامعه جهت فعالیت‌های اقتصادی نیز به نوعی به بحث نگاه تولید محور رهبری در جهت تأمین منافع محرومین، اشاره گردید.

البته این امر یک لازمه بسیار جدی نیز دارد که ایشان در بیانات خود با صراحت به آن اشاره کرده‌اند و آن این است که فرآیند مدیریت تولید و توزیع ثروت در جامعه نیز باید به گونه‌ای صورت پذیرد که همه طبقات و قشرهای مختلف به خصوص محرومین از نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌مند شوند. باید مجموعه بسته‌های سیاستی در عرصه هدایت فرآیند تولید و توزیع ثروت به گونه‌ای باشند که همه طبقات مردم و به خصوص طبقات محروم جامعه از منافع تولید ثروت، بهره ببرند. دلالت این نگرش این است که مجموعه سیاست‌های اقتصادی به خصوص در بازتوزیع ثروت باید به گونه‌ای باشد که منجر به گسترش شکاف طبقاتی در کشور نشود.

ایشان بر نظامی از گردش مالی و روابط در اقتصاد کشور تأکید می‌کنند که در این نظام، ثروت تنها منجر به رشد اغنیاء نگردد، بلکه بستر رشد مالی و اقتصادی برای تمام جامعه به خصوص محرومین و مستضعفین، فراهم گردد.

این نگاه رهبری، منطبق بر آیه ۷ سوره مبارکه حشر است که در آن به یکی از شاخصه‌های نظام اقتصادی اسلام تأکید شده است که در این نظام نباید، ثروت‌ها، تنها در میان اغنیاء، دست به دست گردد.

مَا آفَاءَ لِلَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَالرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر/۷)

«آنچه خدا از اموال مردم آن آبادی ها، بدون پیکار مجاهدان، به پیامبرش بازگردانید، سهمی از آن به خدا اختصاص دارد که باید در راه او هزینه شود، و سهمی از آن برای پیامبر و سهمی برای خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. این تقسیم بدان جهت است که این اموال میان توانگران شما دست به دست نگردهد. آنچه را که رسول خدا به شما پرداخت آن را بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشت از آن دست بردارید و از خدا پروا کنید و با پیامبر او مخالفت نکنید که خدا سخت کیفر است.» فراموش نباید کرد که بر اساس آیات قرآن کریم، زمانی که انسان احساس استغناء نماید، اهل طغیان می شود.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ (علق/۷-۶)

اگر گردش ثروت در جامعه تنها در میان اغنیاء، صورت پذیرد، می تواند بستر استغناء و بی نیازی را در میان ایشان، گسترش دهد و منجر به طغیان ایشان گردد.

البته باید به یک نکته کلیدی توجه کرد و آن هم این است که خدای متعال تفاوت در رزق را نهی، نفرموده است. خدای حکیم و قدیر به تفاوت در رزق و معیشت در آیه ۳۲ سوره مبارکه زخرف، اشاره کرده است. اَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحِمْتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (زخرف/۳۲)

«شگفتا! آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند تا نبوت را به هر که بخواهند عطا کنند؟ ما مییم حتی وسیله گذران آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده، و برخی از آنان را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داده ایم تا یکدیگر را به خدمت گیرند و زندگی اجتماعی خود را سامان بخشند. و نبوت که رحمت پروردگار توست بهتر از مال و ثروتی است که آنان گرد می آورند. پس چگونه ممکن است اعطای این مقام را برعهده آنان بگذاریم؟»

البته با توجه مباحثی که مطرح گردید، این تفاوت در رزق، نباید منجر به نافرمانی از امر الهی و قیودی که خدای متعال در استفاده از ثروت بیان نموده است، گردد.

۴- علاوه بر این، مقام معظم رهبری در این بیانات خود، حضرت علی علیه السلام را به عنوان الگوی مطلوب تولید ثروت در جامعه دینی، مطرح می کنند. وقف اموال به نفع فقرا که چیزی جز تکیه بر منافع طبقات محروم جامعه نیست، در نوع نگاه امام علی علیه السلام در تولید ثروت نقشی کلیدی را دارا بوده است. در واقع یکی از انگیزه های اصلی ایشان در تولید، وقف بوده است.

۵- علاوه بر این ایشان با تکیه بر بحث ممدوح بودن تولید ثروت در جامعه توسط افراد، بر الگوهای کمونیستی و بانگاه سوسیالیستی خط بطلان می کشند. در حقیقت ایشان نگاه دولت سالاری تمام عیار را براساس رویکردهای کمونیستی و سوسیالیستی نفی می کنند و بایسته های تولید ثروت از نگاه قرآن کریم را به عنوان قیود تولید ثروت مطرح می کنند. بر این اساس نگاه محرومیت زدایی در اندیشه ایشان، نگاهی با اندیشه چپ نیست.

آنچه که در جمع‌بندی نهائی مجموعه بیانات رهبری چه در مورد الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و چه عدالت محوری و همچنین موضوع بایسته‌های تولید ثروت می‌توان استنباط نمود، این است که رفع فقر و محرومیت و تکیه بر منافع محرومین، عنصری کلیدی در بیانات رهبری و حلقه‌ای است که می‌تواند تمامی این بیانات را نظام‌مند نماید. این تکیه بر این موضوع در مباحث مختلفی که از سوی ایشان بیان شده‌است، بیانگر ضرورت و اهمیت این موضوع در نگاه رهبری است.

#### ۴- چرایی تأکید بر منافع محرومین در نگاه رهبری

آنچه که بیش از پیش جایگاه و ضرورت تأکید بر منافع محرومین را در تدوین هر برنامه و الگویی در مدیریت کلان جامعه را برجسته می‌سازد، چرایی تأکید بر منافع محرومین در اندیشه مقام معظم رهبری است.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«به خصوص طبقات محروم، پابرهنگان و مستضعفین جامعه، باید برای تمام تلاش‌ها و فعالیت‌ها محور و معیار باشند. کسانی که به تعبیر امام، صاحبان این کشورند، کسانی که جنگ را، بسیج را، دفاع فداکارانه در مقابل تجاوز دشمن را با جان خودشان تحمل کردند. همه چیز باید برای آنها و در جهت منافع آنها باشد و امیدواریم خداوند همه‌ی ما را موفق بدارد.» (۱۳۷۱/۳/۱۴)

در بیان دیگری ایشان می‌فرمایند:

«مسئولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگ باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه‌ی کارگری، همین معلمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می‌روند دفاع می‌کنند و سینه سپر می‌سازند.» (بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری، ۱۳۷۹/۰۲/۱۴)

این دیدگاه مقام معظم رهبری رهبری مبتنی بر این کلام امیرالمؤمنین است که خطاب به مالک اشتر فرمودند:

«دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذرپذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به‌آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.» (دشتی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۵).

رهبری در تفسیر این عبارت از امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «البته دنبال عدالت بودن، هزینه‌ها و دردسرهایی دارد و موجب دشمنی قشرهایی هم می‌شود. امیرالمؤمنین در نامه‌ی خود به مالک اشتر متعرض همین معنا می‌شوند و می‌گویند: آن جایی که امر دایر شد بین توده‌ی مردم، آنهایی که محتاج عدالت تو

هستند، با خواص و مجموعه‌های کوچک و بهره‌مند و ممتاز جامعه، حتماً توده‌ی مردم را ترجیح بده. امروز این معنا باید شعار ما باشد و معیار درستی کار ما محسوب شود و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و عملکردهای ما به دنبال این قضیه باشد.»

رهبری در تفسیر عبارت امام علیه‌السلام عامه مردم را توده‌های مردم معرفی کرده‌اند. طبقات محروم جامعه نیز گروهی از توده‌های مردم هستند که بیش از همه نیازمند برقراری عدالت به خصوص در عرصه اقتصاد هستند.

امام علی علیه‌السلام در بیان خود و در ذیل بیان ایشان، بیانات مقام معظم رهبری، به خوبی در این عبارات، امتیازات طبقات عامه و محروم مردم را بر خواص جامعه، تشریح می‌کنند.

این عامه مردم و محرومین هستند که زمانی که دین‌داری، نیاز به مجاهده و تلاش و سختی دارد می‌توانند از خود بگذرند و به میدان مجاهده بیایند و سختی‌ها را تحمل کنند.

علاوه بر این می‌توان از این عبارات به این جمع‌بندی رسید که توده‌های مردم و محرومین می‌توانند بالاترین مشارکت را در اجرای برنامه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی به خصوص در زمان سختی‌ها داشته‌باشند.

باید به این امر توجه نمود که همواره در طول تاریخ، محرومین و مستضعفین و عموم مردم در کنار رهبران الهی اعم از پیامبران و سایر رهبران الهی قرار داشته‌اند و جریان خواص و اشراف مترف و مستکبر و بدنه اجتماعی هوادار این جریان، در مقابل دعوت انبیاء، قرار گرفته‌اند. این امر در مورد انقلاب اسلامی نیز صادق بوده‌است.

در سیاست‌گذاری‌ها و به خصوص سیاست‌گذاری‌های اقتصادی باید تصمیمات و سیاست‌ها، منافع عامه مردم را در چهارچوبی عادلانه و فراگیر تأمین نماید. بازخورد بیرونی این نوع از سیاست‌گذاری، چیزی جز تقویت جریان حق، نیست.

فراموش نباید کرد که در عرصه اداره جامعه دینی، همواره سختی‌ها وجود دارد. بنابراین الگوی توسعه مبتنی بر منافع محرومین و عموم مردم، سبب خواهد شد که تحمل شداید و سختی‌ها در تمامی عرصه‌ها، به خصوص در بحث جنگ‌ها و مشکلات اقتصادی، برای مردم آسان‌تر گردد، همان‌گونه که در دوران جنگ تحمیلی این اتفاق افتاد.

علاوه بر این امام علی علیه‌السلام حل معضلات محرومین را یکی از فلسفه‌های اصلی حکومت اسلامی معرفی می‌کنند.

«و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم لا لقیة حبلها علی غاربها و لسقیة آخرها بکأس اولها.»

«و اگر نبود عهده و مسؤولیتی که خداوند از علما و دانشمندان (هر جامعه) گرفته که در برابر شکمخواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان تاب نیارند و سکوت نکنند من مهار شتر خلافت را رها می‌ساختم و از آن صرف نظر می‌کردم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم و چون گذشته خود را به کناری می‌داشتم.» (سیدرضی، ۱۳۸۵، ص ۳۱)

در این بیانات امام علی علیه‌السلام تکیه بر منافع محرومین و حل معضلات ایشان، به عنوان یکی از فلسفه‌های حکومت اسلامی مد نظر قرار گرفته‌است و بر اساس این بیان حضرت، تکیه بر منافع محرومین در سیاست‌گذاری‌ها را یکی از منشأهای مشروعیت حکومت دینی دانست. زیرا اگر حکومتی به تکلیف الهی خود

عمل نکند، مشروعیتی نخواهد داشت. بر این اساس یکی از منشأهای مشروعیت جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت دینی نیز تکیه بر منافع محرومین است.

البته برخی از آیات قرآن می‌توانند به خوبی و حیانی بودن چنین رویکردی را نشان بدهند.

آیه ۱۲ سوره مبارکه مائده نیز یکی از آیات کلیدی در این زمینه است.

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (مائده/۱۲)

«من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید (در راه او، به نیازمندان کمک کنید)، در این صورت گناهان شما را می‌بخشم و شما را در باغ‌هایی از بهشت، که نه‌رها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما، بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است.»

آیه فوق هر چند که در مورد بنی اسرائیل مطرح شده است، اما بر اساس آیات قرآن کریم مسلمین نیز باسد از سرنوشت بنی اسرائیل عبرت بگیرند.

خدای متعال در آیه ۶۹ سوره مبارکه احزاب، از مؤمنان می‌خواهد که مانند کسانی نباشند که موسی را آزار دادند. این آیه با صراحت نشان می‌دهد که مسلمانان هم می‌توانند مانند بنی اسرائیل باشند که پیامبر خود را آزار دادند و جانشین او را نیز آزار دادند و تا مرز قتل او هم پیش رفتند. امکان بروز تمامی اتفاقاتی که برای بنی اسرائیل، وجود داشت، برای مسلمانان هم، وجود دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (احزاب/۶۹)

در آیات سوره مبارکه حشر هم، خدای متعال از اهل ایمان می‌خواهد که از سرنوشت اهل کتاب، درس بگیرند.

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَّتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر/۲)

خدای تبارک و تعالی در آیه ۲ سوره مبارکه حشر می‌فرماید:

«او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند! گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان، آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود، اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند سرافشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند، به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند. پس ای صاحبان چشم، عبرت بگیرید.»

بر اساس آیات فوق و بر مبنای آیه ۱۲ سوره مبارکه مائده:

الف: نماز و پرداخت زکات و کمک به نیازمندان و سنت الهی قرض الحسنه، شروط همراهی خدای متعال همراه یک جامعه دینی است. قرض الحسنه و پرداخت زکات، اعمالی در جهت حل مشکلات محرومین و گرفتاران جامعه هستند.

ب: اگر آیه فوق را در کنار آیه ۳۸ سوره مبارکه محمد قرار دهیم به نتیجه جالبی می‌رسیم:

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ  
وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد/۳۸)

خدای متعال در آیه ۳۸ سوره مبارکه محمد خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: « شما کسانی هستید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید، پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و گرنه، خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر شما از فرمان الهی تبعیت نکنید، خدای متعال، قوم دیگری را به جای شما، انتخاب خواهد کرد.»

در حقیقت خدای متعال در این آیه نافرمانی از امر خود در بحث انفاق را عامل نابودی یک قوم و جایگزینی قومی دیگر به جای آن قوم توسط خویش معرفی می‌کند. فراموش نباید کرد که یکی از فلسفه‌های اصلی انفاق تلاش در جهت حل معضلات محرومین است.

براین اساس هر نظام اقتصادی که چهارچوبه خود را مبتنی بر حل مشکلات محرومین در چهارچوب فرامین الهی قرار ندهد، پایدار نخواهد بود. پایداری نیز بر ضرورتی در عرصه‌های مدیریتی و سیاستی و اقتصادی، اولویت دارد.

خدای متعال، در آیه تلاش در جهت استیفای حق مستضعفین را تکلیف اهل حق بیان داشته‌است.  
و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیراً. (نساء/۷۵)

«چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از برای ما از طرف خود یاری و یآوری تعیین فرما.»

دلالت اصلی آیه فوق این است که تلاش در جهت استیفای حق محرومان از ظالمان، تکلیف الهی جریان حق در تمامی ادوار و زمان‌هاست. یکی از مصادیق این استیفای حق تلاش در جهت حل معضلات اقتصادی مستضعفینی است که بنا به هردلیلی دچار استضعاف اقتصادی شده‌اند، بی‌شک در صورتی که ما در این زمینه تلاش ننماییم، خدای متعال نیازی به ما ندارد و می‌تواند قوم دیگری را جایگزین ما در اطاعت از امر خویش نماید.

## ۵- جمع بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به جمیع مباحث فوق می‌توان به این جمع‌بندی رسید که

الف: الگوی پیشرفت اقتصادی مد نظر مقام معظم رهبری که، الگوی پیشرفتی مبتنی بر آموزه‌های ناب دینی و در چهارچوبی بومی است که سبب پیشرفت اقتصادی و رشد تولید و تولید ثروت مشروع در کشور مبتنی بر منافع عامه مردم و در جهت رفع فقر از محرومین، می‌گردد. در حقیقت یکی از شاخصه اصلی و کلیدی این الگو، تأکید بر منافع محرومین، است.

ب: کیه بر منافع محرومین لازمه پایداری یک جامعه دینی است. زیرا این محرومین و عامه مردم هستند که زمانی که دین‌داری نیاز به سختی دارد و در حقیقت حکومت و جامعه دینی در خطر هستند، بیش از دیگران به صحنه می‌آیند و از نظام دینی دفاع می‌کنند. علاوه بر این برآیند آیات مطرح‌شده هم به خوبی نشان می‌دهد که نظامی که مبتنی بر توجه بر منافع محرومین نباشد، پایدار نخواهد بود.

بر این اساس بی‌شک مباحثی مانند تکیه بر منافع محرومین، که به نوعی بر پایداری نظام اسلامی تأکید دارند، باید در تمامی عرصه‌های نظری، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به عنوان مباحث اولویت‌دار انتخاب گردند و به عنوان مبنای اصلی و راهبردی مد نظر قرار بگیرند. یعنی اولویت در تحقیقات نظری و برنامه‌های پنج ساله کشور و الگوسازی‌های کلان مانند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مباحث فوق هستند، البته تا زمانی که چالش‌های مربوط به این موضوعات در جامعه در فرآیندی پایدار برطرف گردند.

ج: هدایت فرآیندهای اقتصادی و برنامه‌ریزی در جهت حل معضلات طبقات کم درآمد جامعه، می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر مردم در جهاد اقتصادی و حل معضلات اقتصادی کشور را، فراهم آورد. زیرا بر اساس فرمایشات امام علی علیه‌السلام و در ذیل ایشان، بیانات رهبر معظم انقلاب، این توده‌های مردم و محرومین هستند که در سختی‌ها و مجاهدت‌ها همراه حاکمیت دینی هستند. هدایت برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در جهت منافع محرومین در جامعه دلگرمی ایشان نیز خواهد شد.

بر این اساس به عنوان مثال، هدایت منابع ناشی از هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت کاهش هزینه‌هایی مانند هزینه‌های درمانی و یا گسترش وسایل حمل و نقل عمومی، به عنوان بخشی از نیازهای اصلی طبقات محروم جامعه می‌تواند به عنوان بخشی از بسته‌های سیاستی در اداره کشور مد نظر قرار بگیرد.

علاوه بر این ایجاد تسهیلاتی مانند نرخ سود پایین بانکی و یا دریافت مالیات کمتر و یا اعطای زمین ارزان در جهت رشد صنایعی که نیازهای اساسی و عمومی مردم مانند نیازهای دارویی و یا مواد غذایی را تولید می‌کنند نیز می‌تواند به عنوان ابزارهایی در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی مد نظر قرار بگیرد.

نکته دیگری را که باید مد نظر قرار داد این است که زمانی مردم به عرصه مشارکت در حل معضلات وارد خواهند شد که بالاترین اعتماد را به نظام سیاسی کشور داشته باشند. لازمه این امر این است که مسئولان کشور، پاک‌دست باشند و فساد اقتصادی در میان ایشان، وجود نداشته باشد.

بنابراین برخورد جدی با فساد اقتصادی و بسترهای آن یکی از لوازم اصلی ایجاد اعتماد عمومی به نظام است.

بر این اساس بسته‌های سیاستی که ضد فساد هستند و بستر ساز شفافیت به عنوان لازمه مبارزه با فساد در عرصه اداره کشور هستند، باید به عنوان بخشی از سیاست‌های اولویت‌دار مد نظر قرار بگیرند.

ابزارهایی مانند مالیات بر ارزش افزوده که فرآیند مبادلات اقتصادی را شفاف می‌کنند و یا بسته‌هایی که با فساد اقتصادی در تولید نیازهای عمومی مردم مانند مسکن، مقابله می‌کنند، بسته‌های سیاستی اولویت‌دار هستند. به عنوان مثال ایجاد سامانه معاملات بنگاه‌های مسکن که بستر ساز شفافیت در معاملات مسکن و مانع از سوداگری در این بخش بود، یکی از سیاست‌های مقبول در این بخش است.

د: فراموش نباید کرد که موضوع تکیه بر منافع محرومین یکی از ابعاد و اولویت‌های مد نظر مقام معظم رهبری در اداره کشور است. بی‌شک باید اولویت‌های دیگر مد نظر ایشان را نیز در این زمینه شناسایی نمود و با نگاهی نظام‌مند به این اولویت‌ها توجه نمود و نظام‌سیاست‌گذاری کشور نیز باید این نگاه را مبتنی بر جامعیت این اولویت‌ها قرار دهد.

## مراجع

سیدرضی (۱۳۸۵). نهج البلاغه. مترجم: محمددشتی، قم: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).  
جاویدی، مجتبی (۱۳۸۵)، قاموس عدالت، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول

دوین کتفانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

خاکبان، سلیمان (۱۳۷۴)، درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران، قم: نشر حضور، چاپ اول  
سیاهپوش، امیر (۱۳۹۰)، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در منظر مقام معظم رهبری، تهران: انتشارات آفتاب توسعه،  
چاپ اول